

برائت دادن خود به قیمت کتمان حقایق

وزیر معارف یا رییس گشتاپو؟



تهدید و خشونت لفظی در برابر دانش‌آموزان، یک برخورد طالبانی است. آقای وردک حتماً می‌داند که معارف جای ترس و وحشت نیست. کودکی که مسموم شده، در هر صورت حق به جانب است. اگر از یک طرف، گروه‌های افراطی با پائیدن سم در هوا و یا آب آشامیدنی، او را مسموم می‌کنند، آقای وردک از سوی دیگر با تهدید و ترساندن، او را دچار سرخورده‌گی و اضطراب می‌سازد و این دقیقاً رفتار دیکتاتورانه‌یی است که تنها از گشتاپو آن را می‌توان انتظار داشت، نه یک وزیر معارف

صفحه ۶

امریکا پس از اظهارات کرزی: پایگاه دائمی نمی‌خواهیم



ایالات متحده امریکا می‌گوید که به دنبال ایجاد پایگاه‌های نظامی دائمی در افغانستان نیست و حضور امریکا در خاک افغانستان، تنها به درخواست دولت کابل میسر خواهد بود.

رییس‌جمهور کرزی گفته است که واشنگتن قصد دارد پس از خروج نیروهای جنگی امریکا و ناتو تا سال ۲۰۱۴، پایگاه نظامی جدید در افغانستان ایجاد کند.

اما جی کارنی سخنگوی کاخ سفید در یک کنفرانس خبری خاطرنشان کرد، امریکا به دنبال ایجاد پایگاه‌های نظامی دائمی در افغانستان نیست و هرگونه حضور نظامی امریکا بعد از سال ۲۰۱۴ میلادی تنها به درخواست دولت کابل صورت خواهد پذیرفت که هدف آن آموزش سربازان افغان و شناسایی آخرین عوامل القاعده خواهد بود.

واشنگتن و کابل بر روی تفاهم نامیه‌یی که حضور محدود نیروهای نظامی امریکایی در افغانستان را مجاز می‌کند، گفت‌وگو می‌کنند و این در حالی است که گروه‌های امریکایی و ناتو... ادامه صفحه ۶

محمد فرهاد عظیمی عضو مجلس نماینده‌گان:

نیاز امروز ما همدیگر پذیری و اعتمادسازی است

صفحه ۷

اگر حامد کرزی و تیم حاکم، عمداً اوضاع را متشنج بسازند تا انتخابات برگزار نشود و طوری وانمود کنند که انتخابات برگزار نمی‌شود، در این صورت وضعیت خراب شده و از کنترل خارج خواهد شد؛ بنابراین اگر چنین نیتی وجود داشته باشد، باید طرف‌های سیاسی، ائتلاف‌ها و جامعه جهانی بالای حکومت فشار بیاورند تا انتخابات برگزار شود

هشدار کرزی به پاکستان:

«تازه جوان» خود را اصلاح کن!



کنیم و رابطه متقابل داشته باشیم». آقای کرزی افزود: «در زمان طالبان بود که سیاست خارجی افغانستان توسط دیگران اداره می‌شد. اگر کشوری بخواهد که سیاست خارجی افغانستان به نفع کشور همسایه باشد این خیال است و محال است و جنون». او گفت: «از ملت پاکستان منیحت یک ملت نیک که مردم افغانستان را در خانه‌های شان جا داده اند و قدر کرده اند همیشه شکرگزار هستیم، اما از حکومت و نظامیان این کشور می‌خواهیم که خود را اصلاح کنند». آقای کرزی در ادامه حرف‌هایش گفت که افغانستان مانند یک درخت است که ریشه پنج هزار ساله دارد و به گفته او، پاکستان در مقابل... ادامه صفحه ۶

رییس‌جمهور کرزی به حکومت و نظامیان پاکستانی هشدار داده است که خود را اصلاح بسازند. آقای کرزی که روز پنجشنبه در هشتمین سالگرد تأسیس دانشگاه کابل صحبت می‌کرد، همچنان گفت که پس از این پاکستان نباید افغانستان را به عنوان یک کشور ضعیف، بل که به حیث یک هسته قوی در منطقه بنگرد. رییس‌جمهور افغانستان یک بار دیگر به تنش روابط افغانستان و پاکستان بر سر مسأله خط مرزی دیورند اشاره کرده و گفت افغانستان حاضر نیست خط دیورند را به رسمیت بشناسد. او گفت: «در ده سال گذشته افغانستان تلاش کرده که رابطه متمدنانه با کشور پاکستان داشته باشد و اکنون نیز اعلام می‌کنیم که پاکستان! می‌خواهیم با تو دوستی



نخست‌وزیر آلمان در کندز: پس از ۲۰۱۴ نیز به تعهد نظامی‌مان در افغانستان پایبندیم



نزدک یک هفته پس از کشته‌شدن یک سرباز آلمانی در ولایت بغلان، روز جمعه انگلا مرکل نخست‌وزیر آلمان ضمن یک سفر از پیش اعلام نشده برای بازدید از سربازان کشورش به افغانستان آمد... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



رسانه‌ها: بازیگران اصلی ماجرای وزیر و وکیل



ماکس وبر، عقلانیت و ما



هنر کارآمد و هنر ناکارآمد



پنجاه میلیون دالر امریکا در افغانستان دزدی شد

حلیمه حسینی

بازیگران اصلی ماجرای وزیر و وکیل رسانه‌ها!

آیا مقوله استیضاح توانسته است کارکرد و جایگاه واقعی و درست خود را در تعامل دو قوه مقننه و مجریه با هم در جامعه ما پیدا کند؟ یا این که استیضاح هم به برگ برنده‌ی تبدیل شده است که فقط وکلا با آن بازی کرده و وزن معامله و زمان و محدوده آن را تعیین می‌کنند؟

این‌ها همه پرسش‌هایی‌اند که شهروندان ما امروز با جدیت با آن‌ها روبه‌رو هستند. وقتی وزیری نماینده‌گان ملت را متهم به قاچاق مواد مخدر و شراب می‌کند، لرزه‌ی بر اندام اعتماد از پیش لرزان ملت می‌افتد که با این خانه و این نماینده‌گان چه باید کرد؟ اما اگر فضای رسانه‌ی کشور، فقط به دنبال انعکاس مانورهای سیاسی طرفین دعوا باشد، راه به جایی نخواهد برد و ملت فقط در سرگشته‌گی و حیرت و حسرت باقی خواهد ماند و این فقط اعتماد ملت است که رو به ضعف و نابودی خواهد گذاشت. بلکه رسانه‌ها رسالت دارند که با تهیه گزارش‌های تحقیقی مبتنی بر اصول و ارزش‌های خبری، با کمال امانت‌داری و توازن و عدالت‌محوری، به ملت کمک کنند تا بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند.

امروز ادعای وزیر مالیه، باید مورد تحقیق قرار بگیرد و رسانه‌ها این مسأله را زیر ذره‌بین بگذارند و اگر حرفی هست و ناگفته‌هایی برای افشا شدن وجود دارد، به عنوان چشم و گوش ملت، حقایق را افشا کنند. و همین‌طور هم در رابطه با نظر نماینده‌گان مجلس نسبت به وزیر مالیه یا هر بحث دیگر.

اگر آزادی رسانه‌ها دستاورد بزرگ حکومت جناب آقای کرزی به حساب می‌آید، باید رسانه‌های قوی و قدرتمند کار کنند و به اثبات برسانند که فضا و آزادی برای افشاگری و بازتاب حقایق علیه اشخاص و گروه‌ها به صورت مشخص و تحلیل شده نیز وجود دارد. اگر از این پس در رسانه‌ها ادامه بحث‌های جناب وزیر مالیه و ادعای‌شان را نینیم و نشنیم، باید باور کرد که رسانه‌ها هم در حال معامله‌گری و داخل شدن در زدوبندهای فسادآلود هستند و آن‌گاه باید باور کرد که استبداد و خفقان زیر نام آزادی بیان و آزادی مطبوعات و دموکراسی، سر برآورده و در کمین هر ندا و حرکتی نشسته

اگر از این پس در رسانه‌ها ادامه بحث‌های جناب وزیر مالیه و ادعای‌شان را

نینیم و نشنیم، باید باور کرد که رسانه‌ها هم در حال معامله‌گری و داخل شدن

در زدوبندهای فسادآلود هستند و آن‌گاه باید باور کرد که استبداد و خفقان زیر

نام آزادی بیان و آزادی مطبوعات و دموکراسی، سر برآورده و در کمین هر ندا

و حرکتی نشسته است که بخواهد دست مافیای بزرگ سیاسی و اقتصادی را از

منافع و دارایی‌های این مردم، کوتاه کند!

است که بخواهد دست مافیای بزرگ سیاسی و اقتصادی را از منافع و دارایی‌های این مردم، کوتاه کند!

حرکت و نوع نگاه و مسوولیت‌پذیری رسانه‌ها در قدم‌های بعدی این داستان و داستان‌ها و ماجراهایی از این دست، نقش محوری و تعیین‌کننده خواهد داشت آن‌هم فقط به شرطی که رسانه‌ها بتوانند هم رصد کنند و هم شهروندان کارکرد آن‌ها را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند.



قافله بوده‌اید؟ در واپسین ماه‌های حکومت جناب آقای کرزی، شاهد عجایب و اتفاقات غافل‌گیرکننده‌ی هستیم و لاجرم باید منتظر باشیم که اوضاع از این‌هم مضحک‌تر و پیچیده‌تر شود. یکی از جالب‌ترین خبرهای روزهای اخیر، جدال میان کابینه و پارلمان است که محتوای این نزاع و کشمکش‌ها، یادآور ضرب‌المثل قدیمی‌یی است که می‌گوید «شری بخیزد که خیر ما باشد!»

با بالا گرفتن صحبت‌ها و گفت‌وگوها و خواست‌ها برای استیضاح بعضی وزرای کابینه، کاسه صبر وزیران هم به‌سر آمده و کم‌کم دست به افشاگری می‌زنند. معلوم نیست که این قضیه را باید همین‌گونه روایت کرد یا باید گفت که کاسه صبر پارلمان‌نشینان به‌سر آمده و می‌خواهند دست به افشاگری بزنند!

به هر رو، هر طرف قضیه را که بنگریم، یک حقیقت مسلم و غیرقابل انکار می‌نماید و آن این‌که در این بلوای به‌راه افتاده، خیر ملت نهفته است، از آن جهت که دست‌هایی رو می‌شود و افتضاحتی که در قرینه معلوم بود اما در پس پرده‌های پنهان‌کاری علنی نشده بود، از پرده برون خواهد افتاد و سره از ناسره جدا خواهد شد.

اما این جدا شدن سره از ناسره هم زیاد چنگی به دل این ملت نخواهد زد؛ چرا که بازار سیاست افغانستان، یک‌سره به ناسره آلوده شده که وزیر مالیه از دست داشتن گروهی از پارلمان‌نشینان در قاچاق مواد مخدر و مشروبات الکولی خبر می‌دهد اما کسی نیست که به وی بگوید، جناب آقای وزیر تا به حال کجا بودید که تازه از خواب بیدار شده و دانسته‌اید که نماینده‌گان مردم قاچاق می‌کنند و تیشه به ریشه این ملت می‌زنند؟ به‌راستی اگر حرف استیضاح شما به میان نمی‌آمد، آیا بازهم دست به این افشاگری می‌زدید؟ و اما اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، لابد خود شما هم رفیق

سخن‌ماندگار آیا کرزی به منافعش دست یافته است؟

سرانجام رییس‌جمهور کرزی ژست‌های بلندپروازانه را شکست و رسماً از امضای توافق‌نامه امنیتی و ایجاد پایگاه‌های نظامی امریکا در افغانستان، استقبال کرد.

در آغاز نیز به نظر نمی‌رسید که آقای کرزی موضع جدی و غیرانعطاف‌پذیرانه‌ی در این خصوص داشته باشد. چانه‌زنی‌های او بیشتر از آن‌که مبتنی بر منافع ملی باشد، یک نوع واکنش شخصی و مقطعی بود که عمدتاً از آبخشور منافع شخصی و گروهی تغذیه می‌کرد.

آقای کرزی به دلایل مختلف نخواست از همان آغاز مطرح شدن بحث امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکا که ایجاد پایگاه‌های نظامی این کشور را در افغانستان در دستور کار قرار می‌داد، موضع روشن و شفافی از خود تبارز دهد. نخستین دلیل این بود که او می‌خواست در قبال امضای توافق‌نامه امنیتی، از امریکا امتیازگیری کند؛ به‌ویژه این که پس از سال ۲۰۱۴، او دیگر در قدرت نیست و احتمالاً عواقب ناشی از آن، دامن‌گیرش خواهد شد.

آقای کرزی نسبت به آینده سیاسی خود، به‌شدت نگران است. او می‌داند که در بیشتر از یک دهه زمام‌داری در کشور، فعالیت‌های غیرقانونی زیادی انجام شده، کم‌کاری‌های زیادی صورت گرفته و پول‌های کلانی عمداً حیف‌ومیل شده است. او می‌داند که در سایه حکومت‌داری‌اش، عده‌ی که عمدتاً در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش کلیدی داشتند، خلاف‌کاری‌های بزرگی را انجام داده‌اند که اگر روزی شمه‌ی از آن‌ها هم برملا شود، می‌تواند عواقب بسیار خطرناکی برای او و اطرافیان‌ش در پی داشته باشد.

آقای کرزی در طول ماه‌ها چانه‌زنی و گفتن حرف‌هایی مثل این که «ما برای امضای توافق‌نامه امنیتی عجله نداریم»، نگران وضعیت خود بود و تلاش داشت که امریکا را وادار به دادن یک رشته ضمانت‌ها سازد که باید پس از سال ۲۰۱۴ در اختیارش قرار گیرد.

دلیل دوم این بود که آقای کرزی در امضای توافق‌نامه امنیتی، یک نوع تعلل عمدی را به سود وضعیت خود در داخل کشور نشان می‌داد. او می‌خواست و می‌خواهد از این طریق، از خود یک چهره به‌اصطلاح ملی بسازد که سخت نگران وضعیت افغانستان و آینده آن است. البته این اقدام نیز به‌نوعی مکمل اقدام قبلی در برابر امریکاست.

به همان میزان که آقای کرزی می‌خواهد خاطر خود را از جانب امریکایی‌ها آسوده سازد، به همان اندازه نیز می‌خواهد در داخل کشور خطری متوجه آینده او نباشد. به همین دلیل، گرفتن «ژست ملی» می‌تواند به میزان زیادی او را کمک کند تا در آستانه رفتن از قدرت، حداقل به مردم بگوید که تمام تلاش خود را برای تأمین حاکمیت ملی در افغانستان صورت داده است.

شاید او فکر می‌کند که به این صورت مردم فراموش خواهند کرد که چه ندانم‌کاری‌هایی از جانب او و گروه حاکم در قدرت سیاسی انجام شده است. شاید او فکر می‌کند که مردم قضیه گرفتن صداها میلیون دالر پول‌های غیرقانونی از منابع غیرشفاف را فراموش خواهند کرد و حتا از او نخواهند پرسید که این پول‌ها در چه زمینه‌هایی به مصرف رسیده است.

دلیل سوم این‌که: آقای کرزی به این دلیل به امضای توافق‌نامه امنیتی و ایجاد پایگاه‌های امریکا در افغانستان موافقت کرد که متوجه مسأله دیگری در این خصوص شد. او متوجه شد که با زیاده‌خواهی‌های خود احتمال دارد «افتخار» امضای چنین موافقت‌نامه‌یی را از دست بدهد. زیرا در روزهای اخیر که آقای کرزی بحث عدم عجله در امضای توافق‌نامه امنیتی را پیش کشید، امریکایی‌ها نیز برای این‌که به او نشان دهند که در این معادله محلی از اعراب ندارد، گفتند که توافق‌نامه امنیتی را بهتر است با دولت بعدی امضا کنند. این مسأله‌ی است که آقای کرزی نمی‌خواهد اتفاق بیفتد و در هر صورت، تلاش دارد که امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکا در زمان حکومت‌داری خودش انجام شود.

چهارم، آقای کرزی فکر می‌کند که با امضای توافق‌نامه امنیتی، مهم‌ترین باج سیاسی را به امریکا داده و حالا توپ در میدان آن کشور قرار دارد و او هر زمانی که بخواهد می‌تواند در ازای امضای چنین توافق‌نامه‌یی، هر چیزی را از امریکا طلب کند. یا حداقل آقای کرزی فکر می‌کند که از نظر اخلاقی، امریکا دیگر برای او مشکل‌تراشی نخواهد کرد.

به هر صورت بحث اصلی در امضای هر قرارداد استراتژیک با هر کشوری، همان بحث اصلی سیاست است که منافع ملی دو طرف چه‌گونه باید تأمین شود. افغانستان در طول یک دهه گذشته، وارد فضای جدید سیاسی شده است و مناسبات جدید سیاسی را تجربه می‌کند. این مناسبات، زمینه‌های جدید بهره‌برداری‌های سیاسی را به سود منافع ملی کشور فراهم کرده است. امضای توافق‌نامه در نفس امر نه چیز مذمومی است و نه چیز قابل مباحثاتی، بل که آن چیزی که در این رابطه اهمیت دارد، منافع ملی کشور است. آقای کرزی چه‌قدر در امضای توافق‌نامه امنیتی به این مسائل اندیشیده است؟ چون زمانی او برای این‌که امریکا را تحت فشار قرار دهد، برای امضای توافق‌نامه امنیتی، خواهان برگزاری لویه‌جرگه شده بود، ولی حالا بدون آن‌که یک جلسه کوچک را هم برگزار کند و یا این موضوع را در پارلمان کشور مطرح سازد، ناگهان از آماده‌گی کاملش برای امضای توافق‌نامه امنیتی و ایجاد پایگاه‌های نظامی امریکا در ۹ منطقه استراتژیک کشور سخن می‌گوید.

الی راتنر و الکساندر سولیوان / فارن پالسی

خطرناک‌ترین مرز جهان

کاهش ۱۲ درصدی معاهدات تجاری در سال ۲۰۱۲ احتمال می‌دهند که میزان درآمد تجاری در سال ۲۰۱۵ میلادی ۱۰۰ میلیارد دلار شود.

همچنین در بحث انرژی اتمی نیز دو کشور با یکدیگر اختلافاتی دارند؛ به طوری که چین اکثر از این موضوع شکایت دارد که هند با اعطای پناهنده‌گی به دالایی لاما و مقرهای اصلی دولت در تبعید تبت از تاکتیک‌هایی مبنی بر گسستگی منطقه تحت کنترل چین حمایت می‌کند و این در حالیست که دولت هند نیز برنامه‌های دولت پکن را در ایجاد یکسری سد بر روی رودخانه «برهماپوترا» که رودخانه‌یی مقدس برای هندوها محسوب می‌شود، مورد انتقاد قرار داده است؛ چرا که این رودخانه از تبت منشأ می‌گیرد و به داخل هند روان است و زندگی ده‌ها میلیون نفر به این رودخانه و آب آن بستگی دارد، به همین دلیل است که رقابت‌هایی در خصوص استفاده از این آب میان دو کشور به وجود آمده است.

توسعه‌طلبی چین به داخل اقیانوس هند نیز یکی دیگر از موارد مورد مناقشه میان دو کشور محسوب می‌شود؛ چرا که دولت هند این اقیانوس را حیاط خلوت خود می‌داند. رسانه‌های هند در اپریل سال جاری میلادی گزارش دادند که اسناد محرمانه وزارت دفاع این کشور نشان از این دارد که زیردریایی‌های دولت چین به صورت مرتب به داخل این اقیانوس در رفت و آمد بوده‌اند. رقابت‌های ژئواستراتژیک نیز در خصوص میانمار میان دو کشور وجود دارد؛ چرا که پکن و دهلی‌نو برای اعمال نفوذ و تأثیر در این کشور با یکدیگر رقابت دیرینه دارند و همچنین هند از روابط دوستانه میان چین با پاکستان که دشمن بزرگ دهلی‌نو محسوب می‌شود، انتقاد می‌کند.

علاوه بر این، اختلافاتی در خصوص مناقشات سیاسی میان دو کشور دیده می‌شود؛ به طوری که در نظرسنجی سال ۲۰۱۲ در مرکز تحقیقات «پیو» مشخص شد که تنها ۲۳ درصد از مردم چین و هند نسبت به یکدیگر نگاهی مطلوب دارند.

هم اکنون نیز حضور نیروهای چینی در منطقه تحت کنترل هند باعث اقدامی از سوی دهلی‌نو شده است. مفاهیم سیاسی زیادی در خصوص سفر آتی سران و رهبران دو کشور به وجود آمده و ارتش هند نیز با مورد بررسی قرار دادن حضور نظامی خود در منطقه و استفاده از ظرفیت موجود بر بحران گذشته اثر گذاشته است. برخی از مفسران هندی نیز به این موضوع پرداخته‌اند که دهلی‌نو این مساله را بار دیگر بازگو کرده که آیا کنترل چین بر تبت یک امر مشروع و قانونی است یا خیر؛ اقدامی که باعث خشم پکن شده است.

در یک دهه گذشته دولت هند یکسری مانورهای دریایی با دولت جاپان ترتیب و خلبانان ویتنامی را برای جت‌های جنگنده آموزش داده و همچنین مانورهای گسترده دریایی را با سنگاپور برگزار کرده است. در صورتی که دیپلماسی موجود مربوط به دو کشور آشکار شود و هر دو طرف راه‌حلی را برای بن‌بست کنونی به دست بیاورند نتیجه این خواهد بود که احتمالاً هند به تقویت روابط نظامی و سیاسی با کشورهای حاضر در شرق و جنوب شرق آسیا دست می‌زند. دهلی‌نو باید به کشورهایی چون ژاپن، ویتنام و حتی سنگاپور کمک کند تا با نظامی‌گری چین در منطقه به مقابله بپردازند.

احتمالاً از سرگیری درگیری‌های سال ۱۹۶۲ میان چین و هند امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان با حضور اندک نیروهای ارتش آزادی‌بخش چین در منطقه مرزی مورد مناشه میان دو کشور این احتمال را داد که تنش‌ها آفتدر زیاد شود که دو کشور بار دیگر با یکدیگر به جنگ بپردازند.



گمان می‌رود که اختلافات موجود بر سر منطقه مرزی مورد مناقشه میان دو کشور تنها یک اقدام خودسرانه از سوی یکی از افسران ارتش آزادی‌بخش خلق چین باشد. چین یک پیام برای بهبود روابط با هند به این کشور می‌فرستد و این درست در زمانی صورت می‌گیرد که وزیر امور خارجه هند به چین و «لی کچیانگ»، نخست‌وزیر چین قرار است به هند سفر کنند.

در حالی که انگیزه‌های دولت چین در حضور نیروهای ارتش آزادی‌بخش خلق این کشور به منطقه مرزی مورد مناقشه هنوز مشخص نشده است، روابط بغرنج میان دو کشور همچنان گسترده به نظر می‌رسد. همچنین روابط پویا میان هند و چین اغلب به عنوان یک گزینه حاشیه‌ای در روابط خارجی پکن با سایر کشورهای جهان از جمله آمریکا و ژاپن محسوب می‌شود. با این حال، رقابت‌های استراتژیک بسیار شدید میان پکن و دهلی‌نو باقی‌مانده است که در تمام قاره آسیا دیده می‌شود و باعث افزایش تنش‌ها در آسیای مرکزی و جنوب شرق آسیا و همچنین اقیانوس هند خواهد شد. مخدوش شدن چرخه اقتصادی آسیا یا همان چین باعث می‌شود که این تنش‌ها بر اقتصاد جهانی اثر گذاشته و آن را تضعیف کند.

تاریخچه بحران کنونی میان دو کشور به نظر قدیمی‌تر از تاسیس جمهوری خلق چین و کشور جدید هند در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۴۷ است. این مناقشه مرزی جدید میان انگلیس و تبت در سال ۱۹۱۴ میلادی شکل گرفت؛ اقدامی که دولت‌های چین و هند آن را به عنوان یک مرز دوفکتو و بالقوه در معاهده ۱۹۵۴ تأیید کردند. همچنین در سال ۱۹۶۲ میلادی تنش‌ها ناشی از اعطای پناهنده‌گی به دالایی لاما ۲۷ ساله، رهبر مذهبی و معنوی بوداییان تبت از سوی هند، میان دو کشور صورت گرفت و باعث شد تا مقام‌های چینی مدعی شوند که این منطقه که توسط دولت هند اداره می‌شود، متعلق به پکن است و حضور گشت‌های مرزی هند در مناطق مورد مناقشه باعث یک درگیری یک ماهه میان پکن و دهلی‌نو شد. البته جنگ میان دو کشور پیروزی شگرفی برای چین به همراه داشت.

دشمنی دو جانبه میان دوکشور برای چندین دهه و در پی آشوب‌ها و ناآرامی‌های دوره‌یی موجود در مرز مورد مناقشه میان چین و هند همچنان ادامه داشت و تنها در قرن حاضر دو طرف در بهبود روابط و انجام تجارت دو جانبه اقداماتی را انجام داده‌اند، به طوری که تخمین زده می‌شود درآمد تجاری دو طرف در سال ۲۰۰۰ میلادی کمتر از سه میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۱ بیش از ۷۰ میلیارد دلار بود. رهبران دو طرف همچنین با وجود

برای اولین بار از سال ۱۹۸۶ میلادی نیروهای ارتش آزادی‌بخش خلق چین پس از آنکه توسط دولت هند شناسایی شدند، از بازگشت به خاک کشورشان امتناع و به جای آن در منطقه سه چادر برپا کردند. دهلی‌نو به سرعت سفیر چین را احضار کرد و مقام‌های ارتش هند نیز مراتب اعتراض خود را به همتایان چینی خود ابراز داشتند. سربازان چینی اما با برپا کردن دو چادر دیگر در منطقه مورد مناقشه به اظهارات دولت هند پاسخ داده و یک نماد به زبان انگلیسی بر روی چادرها قرار دادند که حاوی این مطلب بود: «شما در منطقه تحت کنترل چین هستید». در اول ماه می سال جاری میلادی سه دور مذاکرات میان دو کشور صورت گرفت که ناموفق بود و در آنها پکن از دهلی‌نو خواست که به صورت یک‌جانبه از منطقه تحت کنترل چین و پیش از برداشتن چادرهای برپا شده، خارج شود. همچنین سخنگوی وزارت امور خارجه چین این مساله را رد کرد که نیروهای ارتش آزادی‌بخش خلق این کشور به داخل مرزهای تحت کنترل هند نفوذ کرده‌اند.

در ۲۵ اپریل سال جاری میلادی سلمان خورشید، وزیر امور خارجه هند موقعیت حساس منطقه را در خصوص روابط میان چین و هند در مطلبی این گونه عنوان داشت: «یک جوش کوچک نمی‌تواند ما را مجبور کند که بگویم صورت فرد مورد نظر زیبا نیست. این جوش با استفاده از یک دارو از بین می‌رود.» وزیر امور خارجه هند احتمالاً از این اظهارنظر خود پشیمان خواهد شد و علت آن هم به خاطر استفاده از این تعبیر نامناسب است نه به خاطر آنکه این اظهارات نادرست هستند. همچنین اگرچه اقدامات دیپلماتیک اولیه در خصوص حل مناقشات میان دو کشور ناکام مانده و بروز جنگ محتمل نیست اما بن‌بست موجود میان هند و چین در خصوص منطقه مرزی مورد مناقشه همچنان وجود دارد و به صورت بالقوه رقابت خطرناکی میان دو کشور به وجود آورده است.

در صورتی که چین گزینه جنگ را انتخاب کند دوره‌یی مشکل و سخت برای این کشور به وجود می‌آید. به دلیل اوضاع نابسامان موجود در شبه‌جزیره کوریا و مناقشات موجود در دریاهای چین جنوبی و شرقی این یک منطق استراتژیک نادرست برای پکن محسوب می‌شود که در خصوص تجدیدنظر منطقه مرزی مورد مناقشه با هند از راه‌حلی نامناسب استفاده کند. البته به نظر می‌رسد که دولت هند نیز با این رویکرد موافق است؛ چرا که یکی از جنرال‌های هندی اعلام کرده که چین با رویکرد نادرست خود تنها باعث اقدامات تحریک‌آمیز می‌شود.

از نگاه اردوغان نخست‌وزیر ترکیه مدت هاست که سوریه از «خط قرمز» عبور کرده است. حکومت دمشق ۲۰۰ راکت، از جمله راکت‌هایی با سلاح کیمیاوی شلیک کرده است.

رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه به فرستنده امریکایی «ان بی سی» گفته است که رژیم رییس جمهور بشار اسد «مدت‌ها پیش» اسلحه کیمیاوی و راکت‌ها را مورد استفاده قرار داده است. نخست‌وزیر ترکیه افزوده است: «طبق اطلاع استخبارات ما سوریه ۲۰۰ راکت را به کار گرفته است». اینکه چه تعداد آن با سلاح کیمیاوی بوده اند، نخست‌وزیر ترکیه چیزی نگفت.

اردوغان گزارش داده است که «مريضانی در شفاخانه‌های ما آورده شده‌اند که توسط این سلاح‌های کیمیاوی زخمی گردیده بودند». علاوه بر این ترکیه راکت‌هایی

اعتراف نامزدان انتخابات پارلمانی پاکستان به دروغ‌گویی

برخی نامزدهای انتخابات پاکستان به دادن وعده‌های دروغین به مردم برای جذب آراء آنها اقرار کردند.

به گزارش شبکه تلویزیونی الجزیره، برخی از نامزدهای انتخابات پارلمانی پاکستان در منطقه بلوچستان به استفاده از شیوه‌های فریبکارانه به خصوص در زمینه دادن وعده اصلاحات و بالا بردن سطح زندگی، اقرار کردند. با این حال مردم به علل مختلف تصمیم دارند به این افراد رای بدهند که فقر، جهل و ناآگاهی و رویای اجرای اصلاحات از جمله عللی است که باعث می‌شود مردم با وجود اقرار نامزدها به اقدامات فریبکارانه بر رای دادن به آنها اصرار داشته باشند.

عبدالرحمان مطر خبرنگار این شبکه در اسلام‌آباد در گزارشی در این باره که با پخش تصاویری از تجمع‌های انتخاباتی همراه بود گفت: بسیاری از افرادی که به دنبال نامزدهای انتخاباتی، این طرف و آن طرف می‌روند می‌دانند که هیچ نفع شخصی یا گروهی عاید آنها نمی‌شود. بسیاری از افراد در بلوچستان به کسانی که صاحب کار آنها بگوید رای می‌دهند.

محمد اعظم یکی از این کارگران می‌گوید: ما ناچار هستیم با درآمد اندک در اینجا کار کنیم و گاهی اوقات نیز هیچ دستمزدی دریافت نمی‌کنیم. در انتخابات نیز ناچار هستیم به کسی که صاحب کار ما می‌گوید رای بدهیم.

در ادامه گزارش آمده است: تجمع‌های انتخاباتی در بلوچستان با وعده‌هایی که نامزد انتخابات به مردم می‌دهد همراه است و علنا اعلام می‌کند در صورتی که به وی رای بدهند به وعده‌های خود عمل می‌کند و معمولاً نیز چنین اتفاقی نمی‌افتد و به این وعده‌ها عمل نمی‌شود. رقیه هاشمی وزیر سابق و نامزد انتخابات پاکستان می‌گوید: وعده دادن به یک عرف انتخاباتی تبدیل شده است. من و دیگران مردم را می‌آوریم و به آنها غذا و چای می‌دهیم گویا طرفداران زیادی داریم ولی من و دیگران خیلی دروغ می‌گوییم و فقط اندکی از حقایق را می‌گوییم.

در ادامه گزارش آمده است: مردم باید از میان نامزدهای احزاب ملی گرا، دینی، سیاسی یا حتی نامزدهای مستقل شخصی را انتخاب کنند و به وی رای بدهند. تنوع قومیتی در بلوچستان پاکستان به انتخابات در این منطقه ماهیت قبیله‌یی و نژادی و مذهبی می‌دهد.

آنچه بیش از همه ذهن مردم را در بلوچستان به خود مشغول کرده انتخاب نامزدی است که سطح زندگی آنها را در این منطقه بالا ببرد و این در حالیست که آمارها نشان می‌دهد بیش از پنجاه و دو درصد جمعیت این منطقه زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

رییس جمهوری چین به نتانیاهو: مذاکرات صلح با فلسطین را از سر گیرید



رییس جمهوری چین چند روز پس از آنکه تلاش کرد تا رییس تشکیلات خودگردان فلسطین را درخصوص از سرگیری مذاکرات با اسرائیل متقاعد کند، از نخست‌وزیر اسرائیل خواست تا مذاکرات صلح با فلسطینیان را هر چه سریعتر از سر بگیرد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، صحبت‌های شی جینپینگ، رییس جمهوری چین با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و محمود عباس، رییس تشکیلات خودگردان فلسطین در این هفته نشان می‌دهد که چین قصد دارد تا نقش دیپلماتیک خود را در منطقه افزایش دهد. شی جینپینگ روز دوشنبه «پیشنهاد چهار نکته‌یی» چین برای صلح را به محمود عباس که در همین هفته به چین سفر کرده بود، ارایه داد. این اقدام چین همزمان با مشارکت آمریکا در یک اقدام جدید دیپلماتیک برای از سرگیری مذاکرات صلح در خاورمیانه صورت گرفت.

در همین حال نتانیاهو روز پنجشنبه به عنوان بخشی از سفر پنج روزه‌اش به چین، با شی جینپینگ دیدار کرد. این سفر نتانیاهو با هدف افزایش مناسبات تجاری دو طرفه با چین صورت گرفته است.

شی جینپینگ در این دیدار به نتانیاهو گفت: امیدوارم بتوانیم به صورت مشترک در خصوص انجام برنامه‌های ویژه برای ایجاد اعتماد دو جانبه و از سرگیری مذاکرات صلح (در خاورمیانه) و دستیابی به پیشرفت اساسی با یکدیگر همکاری کنیم.

وی افزود: تنها با حفاظت از حقوق و منافع قانونی تمامی کشورها و با احترام گذاشتن به نگرانی‌های یکدیگر می‌توان به تحقق واقعی صلح و ثبات در منطقه دست یافت.

براساس بیانیه وزارت امور خارجه چین، نتانیاهو به شی جینپینگ گفت: اسرائیل کاملاً از خسارت جنگ مطلع است و از برقراری صلح استقبال می‌کند و تمایل دارد از طریق مذاکرات به صلح دست یابد. این اظهار نظرات نتانیاهو در حالی عنوان شده که رژیم صهیونیستی اخیراً با احداث حدود ۳۰۰ واحد مسکونی جدید برای یهودیان در اراضی اشغالی کرانه باختری موافقت کرده است.

اردوغان خواهان مداخله آمریکا در سوریه شد

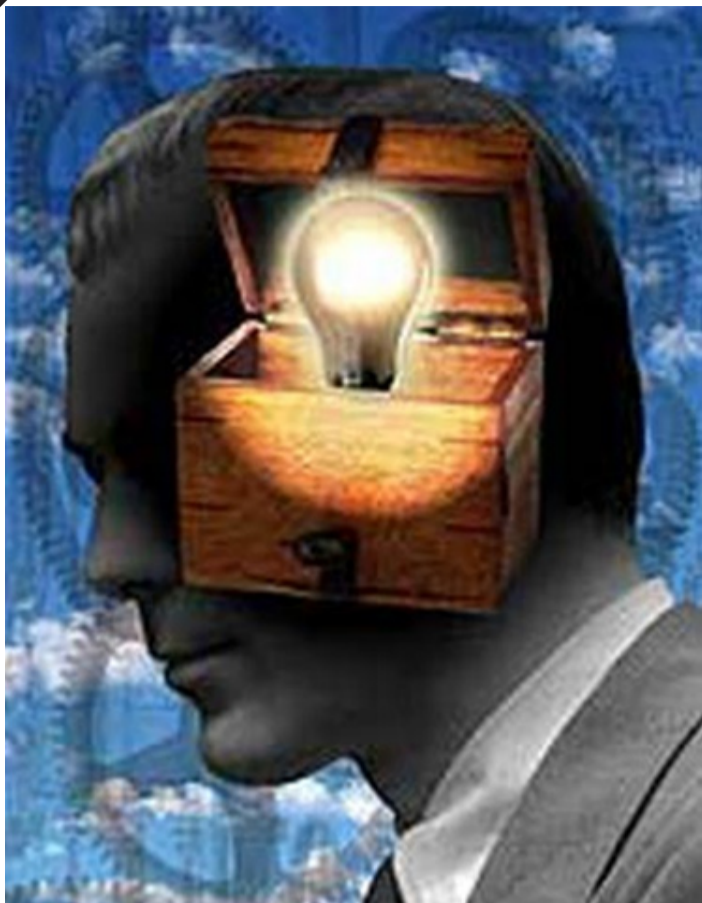
به دوش گرفتن و اقدامات دیگر انجام دادن « تقاضا می‌کنند. اردوغان گفته است که ترکیه از منطقه ممنوع برای پرواز در سوریه زیر رهبری ایالات متحده آمریکا حمایت می‌کند. علاوه بر این او می‌خواهد در هفته آینده با بارک اوباما در این زمینه مشورت کند.

رییس جمهور ایالات متحده آمریکا رژیم اسد در سوریه را در صورت استفاده از سلاح‌های کیمیاوی به پیامدهای سنگین آن تهدید کرده است. اوباما هوشدار داده است که استفاده از سلاح‌های کیمیاوی یک «خط قرمز» است. البته ایالات متحده آمریکا شواهدی در مورد استعمال سلاح‌های کیمیاوی در سوریه دارد، اما روشن نیست که کی این سلاح‌ها را به کار برده است. استفاده از سلاح‌های کیمیاوی در سطح جهانی ممنوع می‌باشد.



را یافته است که می‌تواند با این مواد جنگی پر شوند. حکومت انقره در منازعه سوریه از مخالفان حکومت علیه بشار اسد فرمانروای آن کشور حمایت می‌کند.

واشنگتن باید مداخله کند. اردوغان از ایالات متحده آمریکا برای «مسئولیت بیشتر



بخش پنجم

چه گونه از خود انسان برتری بسازیم؟

پژوهش گران و روان کاون، از عدم قدرت پردازش، تجزیه و تحلیل «ضمیر ناخودآگاه» استفاده کرده و توصیه می کنند که: با تلقین های سازنده، تصور و تجسمات ذهنی دلخواه، به ویژه با پرسش های مثبت و تفکر و اندیشه های عالی، می توان «ضمیر ناخودآگاه» را در مسیر اهداف خود قرار داد. بدین معنی، مطلب یا مطالب معینی را از روی نوشته یا از حفظ، روزی چندین بار مخصوصاً قبل از خواب و بعد از بیداری، بخوانیم و تصاویر اهداف دلخواه خویش را در ذهن خود تجسم کنیم و با اندیشه های عالی سوالات مثبتی را از خود بکنیم. برای هر باری که این کارها را انجام می دهید، عیناً در «ضمیر ناخودآگاه» ضبط می شوند. بر اثر تکرار و ضبط آن ها، «ضمیر ناخودآگاه» به گمان این که مطالب تکراری مورد نظر و دلخواه ماست و یا مطالب جهت اجرا از سوی ضمیر خودآگاه، منعکس می شوند، تحت تأثیر تکرار، تکرار، تکرار، تکرار... باورهای خود را به آرامی تغییر می دهد و باورهای جدیدی را در مسیر مفاهیم و مطالب تلقینی و یا تصورات و تجسمات ذهنی، اندیشه ها و پرسش های سازنده و مثبت از خود، قرار داده و باورهای جدید را هم اجرا می کند. هر چه پیام ها، علامت ها، تلقین ها بیشتر تکرار شوند، «ضمیر ناخودآگاه» زودتر عمل کرده و موجبات تغییر باورها را سریع تر فراهم می سازد. باید توجه داشته باشیم که «ضمیر ناخودآگاه»، تکرار سرش نمی شود، مثلاً اگر جمله ای را ۱۰۰۰ بار تکرار کنیم، «ضمیر ناخودآگاه» آن را ۱۰۰۰ بار ضبط کرده و ۱۰۰۰ بار به عنوان پیام و علامت جدید تصور می کند.

پژوهش گران روان کاون، «ضمیر ناخودآگاه» را به دستگاه ضبط صوت تشبیه کرده و معتقد هستند همان طوری که هر چه به ضبط صوت بدهیم، آن را برای ما ضبط و باز می گرداند، اگر با تلقین و تصاویر ذهنی، افکار مثبت، سازنده و پر نشاط را در «ضمیر ناخودآگاه» مستقر سازیم، این افکار، روحیات و حالات، احساسات، کردار و رفتار شاد و سرشار از شور و شوق و عالی در ما به وجود می آورند. با توجه به این که، انسان تحت تأثیر افکار خود می باشد، لذا اگر با اشتیاق و علاقه مند و با عزمی راسخ، شور و شوق فراوان، معتقد باشیم که باورهای مثبت را می توانیم جایگزین باورهای منفی مان بکنیم، حتماً موفق خواهیم شد. در واقع، هر انسانی، محصول افکار خویش است، لذا می بایست به پیروزی اندیشید تا موفق شد.

بهترین زمان برای تلقین، تصور و تجسم ذهنی و سوالات مثبت از خود، در حالت قبل از خواب است؛ چون این موقع، هر گونه تلاش و فعالیت انسان به حداقل می رسد و حالت پذیرندگی ذهن در انسان زیاد می گردد و فرصت خوبی برای انتقال خواسته ها و آرزوها به ضمیر، پیش می آید. وقتی خواسته ها و اهداف خود را با «ضمیر ناخودآگاه» در میان گذاشته و به خواب برویم، مثلاً از خود پرسش کنیم: چرا من آدم موفق هستم. «ضمیر ناخودآگاه» بدون این که علت واقعی موفقیت ما را بداند و یا آن را تجزیه و تحلیل کند که مطلب درست است یا نه، گفته ما را پذیرفته و در میلیون ها بایگانی مغز، لحظه های موفقیت و پیشرفت را - در طول زنده گی و در هر زمینه که داشته ایم - بیرون کشیده و اعلام می کند که: به این دلایل، شما آدم موفق هستید. برعکس، اگر سوال کنیم چرا من آدم بدبختی هستم. ضمن قبولی بدبختی، در میلیون ها فایل مغز به دنبال زمان های بدبختی، بدبختی، عدم موفقیت، حوادث ناگوار و... گشته و آن ها را از بایگانی ها بیرون کشیده و به ما می گوید که: به این دلایل شما آدم بدبختی هستید! بنابراین، به پرسش های مثبت، ضمیر ناخودآگاه پاسخ های مثبت و در مقابل پرسش های منفی، پاسخ های منفی برای ما تدارک می کند. با سوال های مثبتی چون: چرا من سالم و تندرست هستم؟ (در حالی که ممکن است مریض و حتا سخت بیمار باشیم)، چرا من ثروت فراوان دارم؟ (در حالی که ممکن است خیلی فقیر بوده و حتا بدهی فراوانی هم داشته باشیم)، چرا من قدرتمند هستم؟ (در حالی که ممکن است آدمی بسیار ناتوان باشیم)، چرا من آدم جذاب و دوست داشتنی هستم؟ (در حالی که احتمالاً از نظر فیزیکی قیافه نازیبا داشته باشیم) و صدها چرای مثبت دیگر، «ضمیر ناخودآگاه» کلیه پرسش ها را ضبط و سپس پاسخ سوالات را از فایل های مغز بیرون می کشد... وقتی پرسش و پاسخ، بارها تکرار می شود، پاسخ ها جزو باورهای «ضمیر ناخودآگاه» می گردند.

ماکس وبر، عقلانیت و ما

نویسنده: مجید بیگلر

منظومه فکری ماکس وبر، جامعه شناس آلمانی (۱۸۶۴-۱۹۲۰) نه امری پیشینی و استعلایی و انتزاعی، که امری پسینی، عینی و انضمامی است و مراد از آن، صورت بندی رفتارهای بشری در جامعه ایی است که انسان

عقلانیت یا احساس عاطفی باشند، اما در گذر زمان کارکرد یا ارزش عقلانی شان را از دست داده اند و یا دیگر واجد آن معنای عاطفی نخستین نیستند و بر این اساس، صرفاً امری سنتی یعنی فراداده هستند.

رفتارهای عقلانی یا عقلانیت های برساخته بشری اما خود بر دو دسته اند. دسته نخست، عقلانیت معطوف به ارزش است. عقلانی در این مفهوم صفت رفتاری است که از باور کنش گر به یک سلسله باور (صرف نظر از این که مشروعیت و حجیت این باورها از کجاست) برمی آید، بدون توجه به این که این رفتار چه پیامد یا نتیجه ای در بر خواهد داشت. عقلانی در این معنا، ناظر بر ترتیباتی است که کنش گر آگاه، آگاهانه و از روی قصد و غرض قبلی برای برآوردن اقتضانات باورش صورت می بخشد. ممکن است این ترتیبات پیامدی ناخوشایند کنشگر داشته باشد، اما در حیطة باور او خوشایند و ناخوشایند در انسجام با باورش تعریف می شود و بر این اساس نمی توان ساده انگارانه او را فاقد عقلانیت خواند. رفتار یک بنیادگرایی انتحاری، شاید از دید عمومی غیرعقلانی تلقی شود، از نگاه درونی و با توجه به باور او، عقلانی به معنای رفتار آگاهانه در جهت باورها و اعتقاداتش است.

رفتار عقلانی معطوف به هدف اما همان شیوه از عقلانیت است که فهم عامه عقلانیت می خواند و نگرش غالب تفکر مدرن به عقلانیت حاکی از آن است: نحوه ایی از رفتار آگاهانه و برنامه ریزی شده که هدفی مشخص را پی می گیرد و در جهت تحقق آن می کوشد. در واقع در این شیوه از رفتار نیز ممکن است هدف امری معقول نباشد، اما عقلانیت کاری با آن ندارد، بلکه از همان روش یا نحوه چیدمانی حکایت می کند که برای به دست آوردن آن هدف ضروری است.

با توجه به آن چه آمد و با نظری به رفتارهای اجتماعی ما، روشن می گردد که عمده کنش های اجتماعی ما اگر برآمده از عواطف یا سنت نباشد، ناشی از عقلانیتی معطوف به ارزش بوده است. مثال های این گونه رفتار در سطح اجتماعی و فرهنگی فراوان و اشاره به



رفتار عاطفی از جهت وجه انفعالی و پذیرایی اش شبیه رفتار سنتی است؛ یعنی در انتخاب آن نیز کنشگر اجتماعی (فرد، گروه، اجتماع یا جمع) صورت نداده است، اما از جهت خاستگاه تفاوتی جدی با رفتار نوع نخست دارند. اگر خاستگاه ارزش ها و باورهای سنتی، سنت و تاریخ فراداده بود، خاستگاه رفتار عاطفی،

در آن زنده گی می کند. عقلانیت برای او هم چنین معنایی یگانه و بی همتا ندارد و جوامع گوناگون، در مکان و زمان های گوناگون می توانند شیوه های گوناگونی از عقلانیت را به کار ببندند. ضمن آن که او صریحاً معتقد است که ترتیبات اجتماعی، امری صرفاً عقلانی و اندیشیده نیست و عوامل غیرعقلانی متفاوتی می توانند توجیه گر یک رفتار، کنش، رخداد یا حرکت اجتماعی باشند. بر این اساس، وبر در توصیف رفتار اجتماعی انسان چهار شیوه را از یک دیگر متمایز می کند: رفتار عقلانی معطوف به هدف، رفتار عقلانی معطوف به ارزش، رفتار عقلانی، رفتار عاطفی و رفتار سنتی. از این تقسیم بندی روشن می گردد که وبر اولاً معنای یگانه و منحصر به فردی برای عقلانیت قایل نیست، بلکه از دو تیپ یا دو گونه عقلانیت یاد می کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون، محتوای متفاوتی می یابند، ثانیاً تنها با اتکا به عقلانیت نمی توان تبیین روشنی از رفتارهای اجتماعی بشر داد.

رفتار عقلانی معطوف به هدف، همان شیوه از عقلانیت است که فهم عامه عقلانیت می خواند و نگرش غالب تفکر مدرن به عقلانیت حاکی از آن است: نحوه ایی از رفتار آگاهانه و برنامه ریزی شده که هدفی مشخص را پی می گیرد و در جهت تحقق آن می کوشد. در واقع در این شیوه از رفتار نیز ممکن است هدف امری معقول نباشد، اما عقلانیت کاری با آن ندارد، بلکه از همان روش یا نحوه چیدمانی حکایت می کند که برای به دست آوردن آن هدف ضروری است

غرایز، امیال و رانه های درونی و توضیح ناپذیر است. روشن است که از این مورد نیز گریز و گزیری نیست و نهایت کاری که سوژه آگاه می تواند انجام دهد، بازشناسی منشای غرایز و نشان دادن رد پای آن ها در رفتارهای بشری است (کاری که روان کاو می کند و در حوزه شناخت رفتارهای سنتی به عهده تبارشناس تاریخی است).

اما رفتار سنتی، چنان که از نامش برمی آید، رفتاری غیرانتقادی، ناآگاهانه و بنیادینشده است و نقش مهمی در تبیین کنش های بشری دارد. بسیاری از نهادها، ساخته ها و آیین ها و آداب بشر سنتی به این معنا اند، یعنی ممکن است در بدو پیدایش شان ناشی از انواعی از

هنر کار آمد



هنرِ ناکار آمد

عابدین پایی
هنر از لفظ به معنای نبوغ، تراوش، خلاقیت، ظرافت و ابتکار است، ولی در معنا فهمی است که از سلاله تفکر انسان شکل می‌گیرد و این فهم تفاوتش با دیگر مفاهیم این است که با شورشی نوپا در عرصه اجتماع می‌گذارد و به همین خاطر بوده که هنرمند را از سایرین متفاوت می‌سازد. به بیانی، پوشش هنرمند در طبیعت در جهت نیل به پیدایی و کشف مؤلفه‌های تازه‌یی از طبیعت بوده به گونه‌یی که این مؤلفه‌ها بتوانند به شکل ایستارهایی فرارونده در بطن جامعه حال و آینده ماندگار باشند و در یک نگاه ادبی می‌توان گفت هنرمند کسی است که هنر خویش را به‌سان خویش به تصویر می‌کشد.

از این نگاه هر آن‌چه که در بستر اندیشه تراوش می‌کند و طی سیری تکاملی هدایت جامعه را برعهده می‌گیرد، هنر تلقی می‌شود. اما در تقسیم‌بندی هنر می‌توان هنر را به هنر کارآمد یا پراگماتیک و هنر ناکارآمد منقسم نمود. قبل از این‌که به این دو پردازیم، لازم می‌دانم ابتدا در مورد چه‌گونه‌گی به وجود آمدن هنر سخنی گفته شود یا به بیانی دیگر، برای خواننده‌گان تفهیم نماییم که هنر چه‌گونه به وجود می‌آید؟

در جامعه متداول است که می‌گویند: برای به‌وجود آمدن هر چیزی، نیاز به ابزار و مصالحی است. به عنوان مثال: معمار در جهت بنا کردن یک بنا نیاز به ابزار کار دارد؛ از این‌رو در جهت به‌وجود آمدن هنر نیز ابزار کار مهم بوده، با این تفاوت که ابزار هنر دارای شکل و فرآیندی متفاوت‌اند. یک هنرمند برای به‌وجود آوردن هنر خویش، ابتدا نیاز به طبعی هنری را می‌طلبد و در ثانی علاقه، احساس، عاطفه و تخیل از عمده ابزار لازم‌اند.

می‌توان چنین پنداشت که بستر در دنیای هنر «طبیعت» است. یعنی هنرمند با بهره‌گیری از موالید چهارگانه می‌تواند هنرنمایی کند. مثلاً در حوزه ادبیات، ما با شعری با سبک‌هایی متفاوت مواجه هستیم. به مانند شاعر ناتورالیسم (طبیعت‌گرا)، شاعر سمبولیسم (نمادگرا)، شاعر ریالیسم (واقع‌گرا)، شاعر سورریالیسم (فرا واقع‌گرا) و ...؛ بنابراین ریالیست‌ها اعتقاد دارند که برای ایجاد هنر، هنرمند بدون بستر نمی‌تواند خودآزمایی هنری کند. یعنی اگر بستری وجود نداشته باشد، هنرمندی هنرمند بی‌معناست. می‌گوییم بستر که این نکته بسیار مهم است. مهم بدین‌سان که هنرمند مثلاً در بستری ناتورالیستی نیت بر ایجاد و بسط هنر دارد و یا می‌خواهد در بستری ریالیسم ویژه‌گی‌های هنری خود را به تصویر بکشد. شاید بتوان گفت هنرمندانی که علاوه بر تبعیت از خود بستر در خیلی از موارد به بسترسازی نیز می‌پردازند، از هنرمندان کارآمد به شمار می‌آیند. در دو شکل می‌توان گفت هنرمند می‌تواند کارآمد



می‌زند، بلکه تحت هر شرایطی نوعی بستر واقعی و یا مجازی در جهت ایجاد هنر لازم است. اگر امروزه نویسندگان، نقاشان و شعرای متعددی در تاریخ نام‌شان ماندگار است، مسبب اصلی این، همان بسترهای حقیقی و مجازی است که این بسترها با جامعه گذشته، حال و آینده کلافی عمیق خورده‌اند. به بیانی فاکتورهای این بسترها همگون با سیر زمان و مکان در حرکت بوده‌اند و به همین خاطر است که مهر ماندگاری را در رخساره خود لمس کرده‌اند. شکل دوم هنرنمایی هنرمند بدون بستر واقعی و مجازی است به طوری که امروزه در دنیای پسامدرن اعتقاد بر این است که کلیت، روشن‌گری و راسیونالیسم و یا به اصطلاح عقلانیت هنری و اجتماعی و ایجاد کردن فضاهای کلاسیک و حتا مدرن در دنیا هنر بی‌معناست، بلکه هنرمند در خلق زیبایی نقشی اساسی دارد. پسامدرن‌ها معتقد اند که هیچ زیبایی مطلقه که

و البته اشکالی که ذکر آن رفت نیز می‌بایست از این مؤلفه‌ها برخوردار باشند و هنر ناکارآمد نیز به معنی کاربرد طولی آن نیست، بلکه کاربرد عرضی آن بسیار مهم است. چه بسا هنرمندانی که هنر آن‌ها در جامعه کاربرد طولی داشته، ولی از حیث عرضی پربار و فرارونده نبوده و همین نکته سبب ناکارآمد بودن هنر آن‌ها شده. بنابراین وقتی می‌گوییم هنر ناکارآمد چون صفت هنر برای واژه‌گان ترکیبی چون ناکارآمد استفاده گردیده، لذا نمی‌توان گفت که این هنر نقشی را در جامعه ایفا نکرده، بلکه می‌توان گفت نقشی که ایفا نموده، دارای تاریخ مصرف می‌باشد، به مانند خیلی از هنرمندانی که هنر آن‌ها به مرور زمان به فراموشی سپرده شده‌اند. تعاریف توأم با تمثیل‌های دیگری را هم می‌توان برای هنر کارآمد و هنر ناکارآمد ترسیم نمود. به طوری که در تعریف هنر ناکارآمد می‌توان گفت هنری است که تاریخ مصرف زمانی

و آغازش همیشه پایان‌هایی شناور را به‌دنبال دارد؛ ولی هنر ناکارآمد از چنین صفاتی بهره نبرده است. هنر کارآمد هنری است که در اطاله زمان شروع به شدن می‌کند و نسل‌های متفاوتی را در ازمه تاریخ بر اریکه تربیت و اخلاق می‌نشاند؛ ولی هنر ناکارآمد هنری است که تداوم و بقای آن در فرآیند فرهنگ و تاریخ، بقایی جامعه‌ساز و ماندگار را در پی ندارد. تعریف ما از هنر کارآمد، کالایی غیرمصرفی است و چنین تعریفی تأویل‌گرا و هجمه‌ساز است. عمق و ماندگاری هنر کارآمد بی‌زمان و نشان است.

شاید بتوان در ابعادی «بی‌نویان» و «یکتوره‌گو و «صدسال تنهایی» گابریل گارسیا مارکز را که نوعی رمانتیسیم اجتماعی به شمار می‌آیند را از این دسته از هنرها برشمرد؛ چرا که دید اجتماعی، تجربه تحقیقی و آینده‌نگری سه ویژه‌گی بارزی‌اند که به محتوای این آثار غنا بخشیده‌اند. به طرزى که هنرمند باید با نیم‌نگاهی به جوامع گذشته و با تأویل در مناسبات جامعه حال و تقویت اندیشه خود در جهت نیل به آگاهی و شناخت لازم از نسل‌های آینده (البته با تجاربی که از گذشته و حال دارد) در تثبیت هنر خود بکوشد.

این‌که امروزه مثلی مختلف‌الاضلاع به‌نام سنت، مدرنیته و پسامدرن اظهار وجود می‌کنند و کاغذهای فراوانی هم به وسعت جهان سیاه شده‌اند، طبعاً مصداق بارزی مبنی بر این‌که کلام یک‌راست می‌گویند و کدام‌یک دروغ نیست! اگر امروز ژاک دریدا و ریچارد رُرتی از پساساختارگرایی و زبان‌شناختی کلمات را در قالبی فورماسیونی تصویر می‌کنند و کلیت نظام اجتماعی و راسیونالیسم (عقل‌گرایی) و خیلی از پراکیس‌های اجتماعی را به رخساره‌یی پس رونده تبدیل کرده‌اند، شاید در اذهان نسل حال جایگاهی بی‌بدیل را این اندیشمندان به خود اختصاص داده‌اند، ولی از این‌هم نباید غافل باشند که همین زیباشناختی را از ساختارگرایانی به‌سان فردینان سوسور به ارث برده‌اند. و یا اگر هابرماس و ماکس وبر با نظریه‌های انتقادی خود بر ناتمام بودن پروژه مدرنیته تأکید مؤکد دارند. و دقیقاً بعبور از سنت به این مهم دست یافته‌اند، باز ریشه در همان مؤلفه‌های سنت دارد که در زوایای این مؤلفه‌ها نادیده گرفته می‌شوند. و یا فلسفه یونان باستان به سکنداری سقراط و تداوم و بسط این مسیر توسط افلاطون و ارسطو که امروزه از نگاه فلاسفه نوگرایی از قبیل کانت، دکارت و نیچه و مارتین هایدگر، دیگر به منزله فلسفه‌یی فرارونده و مفیده فایده عموم قلمداد نمی‌شوند، شاید بتوان گفت همین فلسفه نیچه و یا کانت چیزی جز رفوگری فلسفه نوافلاطونی نیست.

با این تعابیر، نگاه این قلم به هنر کارآمد و هنر ناکارآمد، نگاهی یک‌سویه نیست؛ بلکه نگاهی چندلایه می‌باشد که تنها در چنین بسترهایی نمی‌گنجد. اگرچه در زوایایی هم با چنین افکار و کاربست‌هایی اجتماعی که در سیر زمان ایجاد می‌شوند، همگن بوده، ولی در خیلی از ابعاد هم همراه نیست؛ چه این که باید جهت شناخت هنر کارآمد و ماندگار به فراتر از چنین بسترهایی نگریم و به دنیای زمان رفت و در پس پرده‌های متولد نشده‌اش، به دنبال کشف تولدهایی بی‌بدیل بود.

هنر کارآمد همیشه در حال پوست‌اندازی در بطن فرهنگ و تاریخ ملل است؛ ولی هنر ناکارآمد چنین صفاتی را ندارد. هنر کارآمد آینده‌نگر و دارای نگرش و ایستارهایی فزاینده و جهت‌دار می‌باشد و آغازش همیشه پایان‌هایی شناور را به‌دنبال دارد؛ ولی هنر ناکارآمد از چنین صفاتی بهره نبرده است. هنر کارآمد هنری است که در اطاله زمان شروع به شدن می‌کند و نسل‌های متفاوتی را در ازمه تاریخ بر اریکه تربیت و اخلاق می‌نشاند؛ ولی هنر ناکارآمد هنری است که تداوم و بقای آن در فرآیند فرهنگ و تاریخ، بقایی جامعه‌ساز و ماندگار را در پی ندارد. نگاه این قلم به هنر کارآمد و هنر ناکارآمد، نگاهی یک‌سویه نیست؛ بلکه نگاهی چندلایه می‌باشد که تنها در چنین بسترهایی نمی‌گنجد. اگرچه در زوایایی هم با چنین افکار و کاربست‌هایی اجتماعی که در سیر زمان ایجاد می‌شوند، همگن بوده، ولی در خیلی از ابعاد هم همراه نیست؛ چه این که باید جهت شناخت هنر کارآمد و ماندگار به فراتر از چنین بسترهایی نگریم و به دنیای زمان رفت و در پس پرده‌های متولد نشده‌اش، به دنبال کشف تولدهایی بی‌بدیل بود

دارد؛ یعنی متعلق به هر زمان و مکانی نیست، بلکه دارای زمان و مکان مشخص و مقطعی است. هنر ناکارآمد به دنبال تأویل‌گرایی و صیورورت نیست، اما هنر کارآمد نوعی شدن را همیشه تجربه می‌کند. هنر کارآمد همیشه در حال پوست‌اندازی در بطن فرهنگ و تاریخ ملل است؛ ولی هنر ناکارآمد چنین صفاتی را ندارد. هنر کارآمد آینده‌نگر و دارای نگرش و ایستارهایی فزاینده و جهت‌دار می‌باشد

مورد اتفاق همه باشد، وجود ندارد؛ بلکه زیبایی نزد افراد و فرهنگ‌های مختلف است. با این تفاسیر اگر هنر را نوعی زیبایی قلمداد نماییم، بی‌شک این تعریف در قالب هنر نیز می‌گنجد. از این‌رو، کارآمد بودن هنر نه در یک ازمه در تاریخ، بلکه در ادوارهای متعدد تاریخی و در زوایای فرهنگی، هنری، اجتماعی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و... محل بحث و واریسی است.

و یا احیاناً ناکارآمد جلوه نماید. شکل نخست ابتکار و ایجاد است که در بطن موالید چهارگانه توسط هنرمند به‌وجود می‌آید. یعنی فرد هنرمند ویژه‌گی‌های طبیعت را در قالب هنر درمی‌آورد. این‌که برخی معتقد اند هنر ذاتی است، دقیقاً درست گفته‌اند؛ ولی در خیلی از موارد هنر اکتسابی و موروثی هم به شمار می‌رود. از این‌رو، ذاتی بودن هنر به منزله این نیست که هنرمند بدون مؤلفه‌های بستر دست به خلق هنر



برائت دادن خود به قیمت کتمان حقایق

وزیر معارف یا ریس گشتاپو؟

منوچهر

مسموم شدن شاگردان در مکاتب افغانستان، چیز تازه‌یی نیست. از چند سال بدین سو، گروه‌هایی در خفا و آشکار، در پی مخالفت با علم و دانش، سد راه آموزش و پرورش می‌شوند و یکی از راه‌های برگزیده آن‌ها، مسموم کردن دانش‌آموزان مکاتب است. معمولاً در نقاط نامن، از سر بریدن معلمان و تیزاب پاشیدن به روی دانش‌آموزان تا سوزاندن مکاتب مشاهده شده، اما در جاهایی که اندکی امنیت برقرار است، گروه‌های افراطی با طرح‌های مافیایی و پنهان، علیه معارف و علم‌آموزی عمل می‌کنند و بی‌تردید مسموم کردن دانش‌آموزان مکاتب، یکی از همین طرح‌هاست که در چند سال پسین، هر از گاهی به اجرا گذاشته می‌شود.

در این اواخر، برخی از گزارش‌ها نشان می‌دهند که یک بار دیگر برنامه مسموم‌سازی شاگردان مکاتب، از سوی حلقات و گروه‌های ناشناس از سر گرفته شده است. اما از سوی دیگر، تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهند که برخی از این گزارش‌ها نادرست بوده و شاگردان مسموم نشده‌اند.

هرچند تاکنون عدم مسمومیت شاگردان، به گونه کامل از سوی کدام مرجع مستقل و بی‌طرف تأیید نشده است، اما شمار زیادی از این گزارش‌ها قبلاً تأیید شده بودند. ولی این مورد اخیر، به اصطلاح تیر وزارت معارف کشور را دسته کرده و مقامات این وزارت را به واکنش واداشته است.

آقای فاروق وردک به محض این‌که گزارش‌هایی را مبنی بر عدم تأیید مسمومیت شاگردان دریافت کرد، در مقابل رسانه‌ها با سخنان تهدیدآمیز گفت: از این پس هر کسی که گزارش‌های ناقصی از مسمومیت شاگردان ارائه کند، مجازاتش خواهیم کرد. این شخص اگر معلم باشد، مجازات خواهد شد. اگر شاگرد باشد، مجازات خواهد شد و اگر مدیر مکتب هم باشد، مجازات خواهد شد!

لحن تهدیدآمیز آقای وردک، واکنش‌های زیادی را برانگیخت به گونه‌یی که در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، همه مخالفت‌شان را نسبت به این سخنان نشان دادند.

این سخن از چند لحاظ قابل تأمل بود:

۱- به‌کارگیری لحن تهدیدآمیز از سوی آقای وردک در برابر دانش‌آموزان و آموزگاران
۲- تکذیب یک واقعیت که گویا هیچ مسمومیتی وجود نداشته است
۳- کتمان اصل مسأله و عدم ریشه‌یابی معضل. اکنون پرسش این است که وزیر معارف یک کشور، چرا باید با لحن خشن و گشتاپووار، دانش‌آموزان و آموزگاران را به عنوان شهروندان همان کشور، از حق اطلاع‌رسانی محروم کند؟ مگر ممکن است که جمع کلانی به اشتباه و یا به‌خاطر توطیه و یا ایجاد هرج‌ومرج در نظام آموزشی، شایعه‌پراکنی کنند؟ آیا این نوع سخن زدن، به معنای ایجاد ارباب و وحشت در معارف نیست؟

در دو سال اخیر، بیش از بیست مورد از مسمومیت شاگردان در ولایت‌های گوناگون گزارش شده است. آقای وردک می‌خواهد با بیان چنین سخنانی، بسا از این گزارش‌ها را که حقیقت هم هستند، نادیده انگارد. چنین رفتاری به معنای برائت دادن خود است، آن‌هم به قیمت کتمان حقایق.

بهرتر بود جناب وردک به‌جای بیان سخنان تهدیدآمیز و چنگ‌و‌دندان نشان دادن به کودکان، اصل قضیه را پیگیر می‌شدند که اگر چنین واقعاتی مسمومیت نیست، پس چه است؟

برخی از کارشناسان در این باره چنین اظهار نظر کرده‌اند که گاهی این نوع حالت‌ها، می‌تواند تلقینی باشند؛ به گونه‌یی که دست مثل عوارض مسمومیت، فردی دچار تهوع و سرگیجه گردد و گمان کند که مسموم شده و دیگران نیز تحت تأثیر او، دچار تهوع و سرگیجه شوند، که نمونه آن نیز به مشاهده رسیده است.

۱۳ مین‌روب در ننگرهار ناپدید شدند



ساحاتی که در افغانستان مین داشتند، پاک شدند. افغانستان براساس پیمان اوتاوا، تعهد کرده بود که تا سال ۲۰۱۳ تمامی مین‌های موجود در این کشور را از بین ببرد.

براساس آمار موجود، هم اکنون حدود ۶۸۵ کیلومتر مربع زمین در افغانستان آلوده با مین‌های منفجر نشده است.

حدود چهارده هزار نفر در هفت نهاد مین‌روبی در افغانستان برای پاکسازی این مناطق کار می‌کنند.

پاک کردن زمین‌های که مین‌گذاری شده، در شرایطی که ناامنی‌ها در افغانستان کماکان ادامه دارد و در بخش‌های از افغانستان عملاً جنگ جریان دارد، برنامه دشواری است.

مقامات محلی در ولایت ننگرهار اعلام کردند که ۱۳ مین‌روب عصر روز پنجشنبه ۱۹ ثور در ولسوالی اچین این ولایت ناپدید شده‌اند.

احمد ضیا عبدالزی سخنگوی والی ولایت ننگرهار با تأیید این خبر به بی‌بی‌سی گفت که تا کنون مشخص نیست که این افراد توسط چه کسانی ربوده و برای کدام موسسه خنثی‌سازی مین کار می‌کرده است.

چندی قبل مسئولان مین‌روبی در افغانستان اعلام کردند که اگر سالانه به برنامه مین‌روبی، صد میلیون دالر کمک شود، تا پنج سال آینده افغانستان کامل از مین پاک می‌شود.

محمد شهاب حکیمی، عضو کمیته اجرایی موسسه‌های مین‌روبی در افغانستان در این باره به بی‌بی‌سی گفته بود که تا کنون ۷۵ درصد

پایگاه دایمی...

نوانسته‌اند نیروهای طالبان و القاعده را پس از جنگی خونین و پرهزینه که ۱۱ سال است ادامه دارد، ریشه کن کنند.

سخنگوی کاخ سفید با اعلام این موضوع که «همان طور که گفتیم قصد ما این است که به تفاهم‌نامه‌یی امنیتی میان افغانستان و امریکا دست یابیم که به نیروهای امریکایی اجازه دهد تا به زیرساخت‌های افغانستان دسترسی داشته باشند و از آنها استفاده کنند؛ اما ما به هیچ وجه به دنبال تأسیس پایگاه‌های نظامی دایمی در افغانستان نیستیم و در این زمینه به میزان کافی روشن بوده‌ایم.» این در حالی است که رییس‌جمهور افغانستان طی سخنانی در دانشگاه کابل اظهار کرده بود که واشنگتن خواستار ایجاد پایگاه‌های نظامی در شهرهای اصلی افغانستان همچون کابل، بگرام، مزار شریف، جلال‌آباد، گردیز، قندهار، هلمند، شیندند و هرات است.

بنا به گفته آقای کرزی، افغانستان بر روی این درخواست امریکا مبنی بر کمک به برقراری امنیت بیشتر و تقویت نیروهای ملی افغانستان که شرایط را برای شکوفایی اقتصادی و دولتی قدرتمند مهیا می‌کند، فکر می‌کند.

در همین حال، رییس‌جمهوری افغانستان در تازه‌ترین سخنانش درباره موافقتش با اینکه امریکا پس از سال ۲۰۱۴ و خروج سربازان خارجی ۹ پایگاه در افغانستان داشته باشد، گفت: نخست امریکا باید تضمین‌های اقتصادی و امنیتی دهد.

کرزی روز پنجشنبه در مراسمی در دانشگاه کابل گفت: افغانستان آماده است بدین منظور یک توافق شراکت امضا کند.

این نخستین بار است که رییس‌جمهور افغانستان طی اظهارات خود درباره مذاکرات بر سر توافقی که شرایط حضور امریکا در افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ را مشخص می‌کند، پیشنهادی ارائه می‌دهد.

کرزی اظهار داشت که افغانستان می‌خواهد امریکا تعهد دهد تا سریعاً امنیت را در این کشور برقرار کند، نیروهای امنیتی آن را تقویت کند و نسبت به توسعه اقتصادی افغانستان در درازمدت متعهد شود.

پس از ۲۰۱۴ نیز به تعهد...

یک سخنگوی حکومت آلمان در برلین گفت: مرکل صبح روز جمعه با توماس دیمیزیر وزیر دفاع آلمان فدرال به مقر فرماندهی اردوی فدرال آلمان در مزار شریف واقع در شمال افغانستان مواصلت کردند.

روز شنبه هفته گذشته برای نخستین بار قریب پس از دو سال یک سرباز آلمانی در افغانستان کشته شد.

مرکل همراه با دیمیزیر از مزار شریف توسط هلیکوپتر به اردوگاه سربازان آلمانی در کندز پرواز کرد. در آنجا از محل یادبود سربازان کشته شده ارتش آلمان دیدار نمود و از ایشان یادبود به عمل آورد.

نخست‌وزیر آلمان فدرال به هنگام اقامت در کندز اراده حکومت فدرال آلمان را برای قبول تعهد نظامی بعد از پایان سال ۲۰۱۴ و بیرون رفتن نیروهای جنگی ناتو از افغانستان ابراز داشت، او سایر کشورها را ترغیب کرد تا به عین ترتیب عمل کنند. نخست‌وزیر آلمان گفت: «اردوی فدرال در اینجا و همچنان طبعاً در مجموع منطقه، نشان داد که چه‌گونه در همکاری بین‌المللی به خوبی عمل می‌کند».

مرکل ضمن یادآوری از وظایف دیگر در افغانستان، از آماده‌گی برای انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در ماه اپریل سال ۲۰۱۴ برگزار شود و همچنان از بازسازی اقتصادی سخن به میان آورد. مرکل اعتراف نمود که «همه این‌ها قسماً توأم با مشکلات و قسماً آهسته‌تر از آنچه ما آرزو داشته‌ایم عملی شده‌اند». مرکل افزود: «این برای آن نیز غیر قابل انصراف می‌باشد، تا موفقیت عملیات واقعا تضمین شده بتواند». مرکل همچنان اطمینان داد که حکومت آلمان فدرال «چشمی به پروسه سیاسی دارد که در اینجا جلو برود».

از پایان سال ۲۰۰۱ بدین سو سربازان آلمانی در افغانستان مستقر می‌باشند. به روز شنبه برای نخستین بار پس از دو سال یک سرباز اردوی فدرال آلمان در افغانستان کشته شد. این سرباز منسوب به نیروهای ویژه کماندویی آلمان (کاس کا) در شمال افغانستان توسط شورشیان کشته شد. این سرباز آلمانی برای حمایت از نیروهای افغانستان عازم بغلان در شمال افغانستان بود که توسط شورشیان مورد شلیک قرار گرفت.

سرباز کشته شده نخستین قربانی کماندوهای ویژه آلمانی (کاس کا) از راین بود. با این حمله شمار سربازان کشته آلمانی در افغانستان به ۵۳ تن افزایش یافت. از این جمله ۳۵ تن ایشان در جریان جنگ ویا انفجارات کشته شده‌اند.

آلمان پس از ایالات متحده امریکا و بریتانیا سومین قطعه بزرگ بین‌المللی را در نیروهای ایساف دارد. عملیات جنگی نیروهای ناتو در افغانستان در اول جنوری سال ۲۰۱۵ پایان می‌یابد. توماس دیمیزیر وزیر دفاع جمهوری فدرالی آلمان در اواسط ماه اپریل اعلام نمود که پس از این تاریخ نیز بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ سرباز اردوی فدرال آلمان در افغانستان باقی خواهند ماند. این سربازان به نیروهای افغانستان آموزش و مشورت می‌دهند و به هنگام ضرورت از نیروهای امنیتی افغانستان حمایت می‌کنند. بنا به اظهار وزیر دفاع آلمان فدرال دریدو امر آلمان همان طوری که تاکنون بوده است، به حیث یک نیروی رهبری کننده در مزار شریف باقی می‌ماند.

مسلاً در شرایطی که نامنی و پریشانی‌های روانی وجود داشته باشد، این‌گونه اتفاقات نیز محتمل است. اما این واقعه به معنای آن‌هم نیست که تمام این حوادث، از زمره مسمومیت‌های تلقینی بوده‌اند.

بارها گزارش‌های درست و دقیقی از مسمومیت شاگردان در ولایت‌های تخار، کاپیسا، کابل، خوست و... به‌دست رسیده که مقامات وزارت معارف نیز آن‌ها را تأیید کرده‌اند.

بی‌تردید که واکنش وزیر معارف، جلو رسیدن به ریشه‌های این معضل را می‌گیرد. این طرز رفتار می‌تواند از یک‌سو، گروه‌هایی را که آگاهانه به مسموم کردن شاگردان مکاتب دست می‌زنند، جسورتر سازد تا زیر پوشش همین صحبت آقای وردک، آزادانه به کار بپردازند و از سوی دیگر، باعث شود که هیچ‌کس از ترس گشتاپوی وزارت معارف، لب نگشاید و اعتراضی نکند.

همین اکنون ده‌ها گروه افراطی به صورت پنهان و آشکار در افغانستان فعال‌اند و کاملاً برای فروپاشی نظام تلاش می‌کنند. همین گروه‌ها در مواردی، خودشان به مسموم کردن دانش‌آموزان اعتراف کرده‌اند. شاید آقای وردک فراموش نکرده‌اند که چندی قبل با شمار زیادی از همین دانش‌آموزان مسموم شده، برای سلامتی ملاله یوسفزی دعا کردند و خودشان نیز به چنین حقایقی اعتراف نمودند.

تهدید و خشونت لفظی در برابر دانش‌آموزان - ولو اگر آقای وردک حق‌به‌جانب هم باشد - یک برخورد طالبانی است. آقای وردک حتماً می‌داند که معارف جای ترس و وحشت نیست. کودکی که مسموم شده، در هر صورت حق‌به‌جانب است. اگر از یک طرف، گروه‌های افراطی با پاشیدن سم در هوا و یا آب آشامیدنی، او را مسموم می‌کنند، آقای وردک از سوی دیگر با تهدید و ترساندن، او را دچار سرخورده‌گی و اضطراب می‌سازد و این دقیقاً رفتار دیکتاتورانه‌یی است که تنها از گشتاپو آن را می‌توان انتظار داشت، نه یک وزیر معارف.

وضعیت افغانستان در...

عملکرد ایساف در رابطه با مبارزه با مواد مخدر در افغانستان خاطر نشان کرد: ایساف هیچ کاری برای ریشه‌کن کردن مواد مخدر در افغانستان انجام نداده است و مشکلات قاچاق مواد مخدر احتمالاً در آینده نزدیک وخیم‌تر خواهد شد.

پوتین که این اظهارات را در جلسه شورای امنیت روسیه مطرح کرد، ادامه داد: تمامی شواهد حاکی از آن است که وضعیت در افغانستان در کوتاه‌مدت وخیم‌تر خواهد شد.

وی در ادامه افزود: این ائتلاف خارجی که بدنه آن را نیروهای امریکایی تشکیل می‌دهند هنوز پیشرفتی در مبارزه با گروه‌های تروریستی و افراطی نداشته‌اند، این در حالی است که فعالیت آن‌ها اخیراً افزایش یافته است.

پوتین همچنین ضمن انتقاد از افزایش قاچاق مواد به خاک کشورش از بی‌توجهی ایساف به رشد تولیدات مواد مخدر در افغانستان هم انتقاد کرد و گفت: نیروهای این ائتلاف به طرح روسیه برای حل این مشکل توجهی نکرده‌اند.

«تازه جوان» خود را...

این کشور «نوجوان» است.

وی همچنان گفت که افغانستان با تجربه، به پاکستان نوجوان راه درست را نشان خواهد داد. آقای کرزی در بخشی از سخنانش به انتخابات و دولت پس از خود نیز اشاره کرد. او گفت «اگر بعد از من رییس‌جمهور بهتر نیاید، من به این خاک و نیز به خودم جفا کرده‌ام و یک قسمت بزرگی از کار خود را در این خاک نکرده‌ام».



بازرس امریکا:

پنجاه میلیون دالر امریکا در افغانستان دزدی شد



جنایتکاران «متهم کرد. او ابراز نگرانی کرد که اگر ایالات متحده امریکا مبارزه با فساد را در افغانستان در صدر اولویت‌های خود قرار نهد، فساد در این کشور شکل قانونی را به خود خواهد گرفت. در همین حال، عزیزالله لودین رییس اداره عالی مبارزه با فساد در افغانستان موجودیت فساد گسترده در ادارات دولتی افغانستان را تأیید کرد. او در واکنش به کارکرد سیگار گفت که آن اداره در بخش مدیریت فساد در درون خود، ضعیفتر از حکومت افغانستان عمل کرده است. اما آقای لودین به صورت مشخص از قضیه مفقود شدن پنجاه میلیون دالر سیگار اظهار بی‌اطلاعی کرده گفت که اگر چنین عملی صورت گرفته و این ادعا واقعیت داشته باشد، شرم‌آور است. جریان کمک‌ها از مجرای حکومت آقای سوپکو می‌گوید در صورتی که حکومت افغانستان تعهدات خود را در کار مبارزه با

بازرس ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان می‌گوید که پنجاه میلیون دالر پول‌های امریکا برای افغانستان که سال گذشته در یک حساب بانکی در یکی از بانک‌های افغانستان ردیابی شده بود، با آن که زیر نظارت حکومت افغانستان قرار داشت، به صورت ناگهانی ناپدید شده است. جان سوپکو، بازرس ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان می‌گوید، پس از دریافت امر دادگاه امریکا برای پیگیری این قضیه، از حکومت افغانستان خواسته شد تا حساب یاد شده را کد شود و بعد از پیگیری روند قانونی، پول مذکور دوباره مسترد شود. اما به گفته این مقام امریکایی، با وجود تعهد حکومت افغانستان، این پول از حساب بانکی مذکور به گونه مرموز مفقود شده است که در آن مقام‌های بلندپایه افغان دست داشته اند. آقای سوپکو حکومت افغانستان را از کارمندان عادی ملکی گرفته تا مقام‌های بلندپایه به عنوان «یک شبکه حامی

هشدار رییس جمهور ازبکستان از خروج نیروهای خارجی از افغانستان



رییس جمهور ازبکستان در مراسمی بر تهدیدهای ناشی از افغانستان بر ثبات و امنیت منطقه تأکید کرد.

اسلام کریم‌اف روز گذشته ضمن سخنرانی در مراسمی به مناسبت گرامی‌داشت سالگرد پایان جنگ جهانی دوم جنگ، خروج نیروهای نظامی امریکا و اروپا از افغانستان را خطری بزرگ و تهدیدی جدی برای صلح و ثبات ازبکستان و منطقه آسیای مرکزی دانست.

رییس جمهور ازبکستان در این مراسم که با حضور مقامات رسمی دولت، مجلس، جانبازان جنگ جهانی دوم و نماینده‌گان سفارت‌ها و دفاتر سازمان‌های خارجی مقیم تاشکند برگزار شد، وضعیت کنونی افغانستان را از عوامل بر هم زنده‌ی ثبات و سنگین‌تر شدن اوضاع منطقه عنوان کرد.

وی در ادامه گفت: طرف‌های درگیر در جنگ افغانستان هم اکنون آگاه شده‌اند که مشکل طولانی مدت افغانستان که در سال‌های زیادی تلاش می‌شد از راه نظامی حل‌وفصل شود از روش نظامی خاتمه نمی‌یابد.

کریم‌اف معتقد است: تنها راه برون رفت از این بحران اگر چه دشوار و سنگین هم باشد، راه سیاسی و مذاکره نیروهای در حال مقاومت است.

رییس جمهوری ازبکستان ایجاد دولت موقت، برگزاری انتخابات و گذار به حل چالش‌های موجود را از دیگر تدابیر ممکن برای پایان دادن بحران در افغانستان عنوان کرد.

وی همچنین تصریح کرده که متأسفانه، در حال حاضر، برخی از نیروهای داخلی افغانستان و فراتر از آن، به دنبال منافع خود بوده و نسبت به حل‌وفصل سیاسی مسأله و پایان دادن به درگیری‌ها مخالفت نشان می‌دهند.

کریم‌اف افزود که در وضعیت بسیار پیچیده و نگران‌کننده کنونی، آغاز خروج نیروهای ائتلاف و بین‌المللی از افغانستان که عمدتاً شامل نیروهای نظامی امریکا و کشورهای اروپایی است، منجر به گسترش زمینه ناامنی و ایجاد درگیری‌های جدید و تشدید مخالفت‌های

قومی در افغانستان می‌شود. به گفته رییس جمهور ازبکستان، چنین وضعیتی می‌تواند تنش و مشکل بزرگی در کشورهای همسایه افغانستان نیز ایجاد کند. کریم‌اف در ادامه تصریح کرد که سیاست ازبکستان در رابطه با افغانستان باز و روشن بوده که آن هم عدم دخالت در امور داخلی، عدم مشارکت در جناح‌های مختلف سیاسی- نظامی افغانستان، ارتباط و همکاری متقابل و سودمند با نهادهای رسمی و پشتیبانی از دولت منتخب مردم افغانستان است.

رییس جمهوری ازبکستان در ادامه سخنان خود تأکید کرد که ما باید نسبت به احتمال بروز هرگونه درگیری و تنش پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان آماده‌گی کامل داشته باشیم.

وی افزود: برای این کار، ما باید به طور مداوم هشیار بوده و مراقب باشیم و در مقابل هر حادثه‌یی از خود بی‌تفاوتی و بی‌دقتی نشان ندهیم.

در ادامه رییس جمهور ازبکستان با اشاره به رویدادهای تاریخ ازبکستان و شرکت ازبک‌ها در جنگ جهانی اظهار داشت که مردم ما در گذشته برای آزادی، استقلال، همچنین برای حفظ کرامت، شرافت و عزت خود همواره شجاعت و شکیبایی نشان داده و به هیچ فرد و نیرویی تعظیم نکرده و نمی‌کنند.

مراسم گرامی‌داشت شصت‌وهشتمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم روز گذشته در میدان «سوگ مادر» در مرکز تاشکند و با حضور کریم‌اف و سایر مقامات ازبک برگزار شد.

محمد فرهاد عظیمی عضو مجلس نماینده‌گان:

نیاز امروز ما همدیگرپذیری و اعتمادسازی است



حکومت مزدور می‌دانستند و متأسفانه امروز طالبان چنین دیدگاهی دارند و در ضمن، مخالفان سیاسی نیز بالای حکومت اعتماد ندارند، بنابراین هم فعالان سیاسی، هم حکومت و هم طالبان دنبال قدرت سیاسی هستند، پس نیاز است تا بستر و فضایی ایجاد شود تا همه طرف‌ها بتوانند به همدیگر اعتماد کنند و خود را در قدرت شریک بدانند.

چه فکر می‌کنید آیا این اعتماد به وجود خواهد آمد، یا بهتر است بگویم که چه‌گونه می‌توان این اعتماد را به وجود آورد؟

در شرایط فعلی که تیم حاکم نسبت به طرف‌های سیاسی بی‌اعتماد بوده و برعکس طالبان را برادر خطاب می‌کند، به وجود آمدن اعتماد غیر ممکن است. اعتماد زمانی به وجود خواهد آمد که حکومت سیاست‌اش را در مقابل طالبان تغییر بدهد و با انگیزه دادن به نیروهای امنیتی، طالبان را شکست داده و آنان را وادار به مذاکره نماید؛ تنها در این صورت است که اعتماد و بستر سیاسی میان طرف‌های سیاسی به وجود خواهد آمد.

با توجه به موضوعاتی که شما مطرح کردید، آیا جریان‌های مختلف سیاسی می‌توانند قبل از سال ۲۰۱۴ روی یک اجندای ملی توافق کرده و بستر کلان سیاسی را شکل دهند؟

مسأله مهم این است که این اجندا از سوی کی مطرح می‌شود. هرگاه این اجندا از سوی گروه یا شخصی که از حمایت لازم مردمی برخوردار باشد، مطرح شود، یقیناً که چنین اجندایی مفید واقع خواهد شد؛ اما اگر هدف طرف سیاسی یا شخصی که این اجندا را مطرح می‌کند، مشهور شدن باشد، طبیعی است که نتیجه مفید نخواهد داشت.

در پایان اگر حرف خاصی داشته باشید، بفرمایید. تا زمانی که همدیگر پذیری میان مردم ما به وجود نیاید و ما همدیگر را نپذیریم، به چالش مواجه خواهیم شد، چنانچه در گذشته نیز با چنین چالش‌هایی مواجه بودیم. بنابراین نیاز امروز ما همدیگر پذیری است. تشکر از این که وقت‌تان را در اختیار ما گذاشتید.

از شما هم تشکر.

اگر طالبان به موقف قبلی خود پایبند باشند و خواهان گرفتن قدرت سیاسی بدون قید و شرط باشند و قانون اساسی را هم نپذیرند، در این صورت برای جلوگیری از گسترش طالبان و نفوذ آنان لازم است تا طرف‌ها با کنار گذاشتن مخالفت‌های سیاسی، به گونه متحدانه عمل کنند؛ اما اگر طرف‌های سیاسی چنین بستر و فضایی را آماده نسازند، وضعیت معلوم و روشن است. چه‌گونه می‌توان یک فضا و چتر کلان سیاسی را به وجود آورد که در آن تمام جریان‌های سیاسی، نخبه‌گان و طرف‌ها شامل باشند؟

برای به وجود آوردن چنین فضا و بستری، مهمترین مسأله اعتمادسازی است، یعنی بستری ایجاد شود که هم حکومت، هم جریان‌های سیاسی و بالاخره حتا طالبان هم به آن اعتماد کنند و بتوانند خود را در آن شریک بدانند.

امروز همه در پی به دست‌آوردن قدرت سیاسی هستند. به گونه مثال: زمانی که روس‌ها از افغانستان خارج شدند، مجاهدین حکومت آن زمان را یک

که انتخابات برگزار نمی‌شود، در این صورت وضعیت خراب شده و از کنترل خارج خواهد شد؛ بنابراین اگر چنین نبیتی وجود داشته باشد، باید طرف‌های سیاسی، ائتلاف‌ها و جامعه جهانی بالای حکومت فشار بیاورند تا انتخابات برگزار شود.

نگرانی‌هایی مبنی بر این‌که پس از خروج نیروهای خارجی، حکومت به تنهایی توان مبارزه با شورشیان را ندارد، وجود دارد؛ باور شما چیست، آیا حکومت سقوط خواهد کرد؟

جامعه جهانی تجهیزات لازمی را که باید در اختیار نیروهای امنیتی افغانستان قرار می‌داد، نداده است و همچنان نیروهای امنیتی ما انگیزه‌یی برای جنگیدن ندارند و مسأله مهم دیگر این‌که، طبق آمار و گزارش‌هایی که ما به دست آورده ایم، حتا یک سرباز از مناطق جنوب در جنگ حضور ندارند و تمام سربازان کسانی هستند که از مناطق دیگر فرستاده شده‌اند؛ بنابراین، تا زمانی که از سوی رییس‌جمهور به سربازان انگیزه داده نشود، مشکلات همچنان باقی خواهد ماند. تا زمانی که دشمن برادر خطاب شود، اما در برابر کسانی که با شورشیان می‌جنگند، بی‌تفاوتی اختیار شود، انگیزه به وجود نخواهد آمد و مشکلات به قوت خود باقی خواهد ماند. با در نظر داشت حضور حلقات طالبان در ارگ ریاست‌جمهوری و سایر ارگان‌ها، سقوط حکومت افغانستان یک سقوط سیاسی خواهد بود، نه نظامی.

برخی‌ها می‌گویند که برای عبور از سال ۲۰۱۴ نیاز به یک بستر و چتر کلان سیاسی داریم، به نظر شما ایجاد و شکل‌گیری چنین بستری امکان‌پذیر است؟

گفت‌گو کننده: ناچیه نوری

آقای عظیمی سپاس از این که برای یک گفت‌وگوی ویژه با روزنامه ماندگار فرصت در اختیار ما گذاشتید. در نخست به گونه کلی وضعیت سیاسی- امنیتی افغانستان را چه‌گونه می‌بینید؟

نیروهای خارجی در حال خروج از افغانستان هستند و نیروهای مخالف مسلح دولت، تبلیغاتی را به راه انداخته‌اند که گویا خارجی‌ها را شکست داده اند و در آینده نزدیک قدرت سیاسی را به دست خواهند آورد. در میان قوه‌های سه گانه نیز هم‌آهنگی درست وجود ندارد و برنامه مشخصی هم برای آینده افغانستان وجود ندارد؛ بنابراین وضعیت سیاسی - نظامی افغانستان، وضعیت عادی و خوب نیست و هیچ کسی نمی‌داند که آینده افغانستان چه خواهد شد.

پرسش: با توجه به نگرانی‌هایی که شما مطرح کردید، دورنمای سیاسی کشور پس از سال ۲۰۱۴ را چه‌گونه می‌بینید؟

اگر رییس‌جمهور کرسی اراده برگزاری یک انتخابات دموکراتیک را داشته باشد که در آن قناعت طرف‌های سیاسی و مردم فراهم باشد، یقیناً که یک رییس‌جمهور خوب خواهیم داشت و وضعیت نیز خوب خواهد بود، اما اگر رییس‌جمهور بخواهد که در آینده نیز بر سر قدرت باقی بماند و در صدد این باشد تا در انتخابات دست درازی کند و وضعیت را به نفع خودش تغییر دهد و در عین حال نیروهای خارجی هم افغانستان را ترک کنند، در چنین شرایطی دورنمای افغانستان خوب به نظر نمی‌رسد.

شما از انتخابات گفتید، آیا انتخابات برگزار خواهد شد؟

پاسخ: صحبت‌هایی که ما با جامعه جهانی، طرف‌های سیاسی و همه مردم افغانستان داشتیم، تأکید همه بر برگزاری انتخابات بود؛ زیرا آینده سیاسی کشور بسته‌گی به برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه دارد.

اگر حامد کرزی و تیم حاکم عمداً اوضاع را متشنج بسازند تا انتخابات برگزار نشود و طوری وانمود کنند

Mandegar

هشدار رییس جمهور روسیه:

وضعیت افغانستان در کوتاه مدت وخیمتر خواهد شد



رییس جمهوری روسیه گفت: این کشور باید نیروی دفاعی خود را در جنوب کشورش تقویت و با متحدان آسیای مرکزی خود همکاری کند تا از خود در برابر تهدید خشونت‌ها که در افغانستان ظهور پیدا کرده، محافظت کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، ولادیمیر پوتین رییس جمهوری روسیه در نشست شورای امنیت این کشور گفت، نیروهای امریکا و نیروهای تحت رهبری ناتو هنوز به پیشرفتی در جنگ علیه گروه‌های تروریستی و تندرو در افغانستان نرسیده‌اند و این گروه‌ها در ماه‌های اخیر فعال‌تر نیز شده‌اند.

روسیه که از تهاجم امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ حمایت کرده بود، ابراز نگرانی کرد که تهدیدات علیه امنیت این کشور پس از عقب نشینی بیشتر سربازان خارجی از افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۴ می‌تواند افزایش یابد.

ولادیمیر پوتین گفت: هر دلیلی وجود دارد که باور کنیم در

آینده نزدیک ممکن است با بدتر شدن اوضاع روبه‌رو شویم. گروه‌های تروریستی و تندروی بین‌المللی طرح‌های خود را برای صدور بی‌ثباتی مخفی نمی‌کنند.

پوتین عنوان کرد، روسیه که به لحاظ جغرافیایی توسط کشورهای شوروی سابق واقع در آسیای مرکزی از افغانستان جداست، باید کنترل مهاجرت‌ها در مرزهای جنوبی‌اش و تأثیر اقدامات برای مقابله با قاچاق مواد مخدر از جانب افغانستان را به طور تصاعدی افزایش دهد.

وی افزود: سازمان پیمان امنیت مشترک (CSTO) که ائتلاف شش کشور متعلق به شوروی سابق از جمله سه جمهوری واقع در آسیای مرکزی است، باید تلاش‌ها برای بهتر مسلح کردن و تجهیز نیروهای واکنش سریع را افزایش دهد. نیروهایی که تاکنون اقدامات بسیار کمی انجام داده‌اند.

پوتین اظهار کرد، سازمان همکاری‌های شانگهای، که شامل روسیه و چین و نیز کشورهای آسیای مرکزی مانند تاجیکستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان می‌شود باید در تلاش برای ارتقای امنیت شرکت کند اما درباره این امر جزئیاتی ارائه نداد.

روسیه یک پایگاه هوایی در قرقیزستان و بیش از ۶۰۰۰ سرباز مستقر در تاجیکستان دارد که در ناحیه مرزی با افغانستان قرار دارند.

از سوی دیگر، رییس جمهوری روسیه اعلام کرد: آیساف هیچ اقدامی برای ریشه‌کن کردن مواد مخدر در افغانستان انجام نداده است.

رییس جمهور روسیه ضمن انتقاد از... ادامه صفحه ۶

والی کاپیسا از یک سوءقصد جان سالم به در برد

والی ولایت کاپیسا روز جمعه اعلام کرد که از یک سوءقصد جان سالم به در برده است.

محراب الدین صافی، والی ولایت کاپیسا گفت که یک بمب‌گذار در موتری منتظر کاروان وی بود که پولیس متوجه شد یک زن و یک کودک به همراه چند مرد داخل این موتر هستند.

پولیس اعلام کرد: بمب‌گذار، این زن و کودک را سوار کرده بود تا قصد وی بر ملا نشود.

آقای صافی گفت زمانی که پولیس به این موتر نزدیک شد، این فرد، بمب را منفجر کرد که به کشته‌شدن این زن و کودک منجر شد.

بمب‌گذار و سه فرد مسلح داخل موتر نیز در این انفجار زخمی شدند.

به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس از کابل، شورشیان طالبان به طور مرتب مقامات امنیتی و دولتی افغان را هدف قرار می‌دهند.



با بلند شدن آفتاب ستاره‌ها نا پدید میشوند

When Sun Rises the Stars Disappear

رادیو آموزگار 101.3FM

نشرات رادیو آموزگار در کابل و ولایات مرکزی افغانستان

Contact Us: info@amuzgarfm.com, www.amuzgarfm.com, +93 (0) 772929111, +93 (0) 799 879 879

کنفرانس اجندای ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین‌المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش‌های پیگیرش، به‌هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین‌الافغانی را در نظر دارد. بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به‌خاطر جستجوی راه‌حل ملی تلاش فراوان داشته‌اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم‌گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره‌های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲



استقلال؛ ایستادگی، پویایی، شکوفایی

موسسه تحصیلات عالی استقلال در رشته‌های زیر محصل می‌پذیرد:

انجینیری (سیول، شهرسازی، برق، میخانیک) ۱۴۰۰۰ افغانی به صورت اقساط

کامپیوتر ساینس (کامپیوتر، تکنالوجی معلوماتی، IT) ۱۴۰۰۰ افغانی به صورت اقساط

حقوق (حقوق قضا و حارنوالی، حقوق عامه و خاصه) ۱۰۰۰۰ افغانی بصورت اقساط

اقتصاد (مدیریت اقتصاد، اداره و تجارت) ۱۰۰۰۰ افغانی به صورت اقساط

ثبت نام جریان دارد

زمان نام نویسی: از ساعت ۸ صبح الی ۷ عصر

آدرس: افغانستان، کابل، چهارراه پل سرخ مقابل عزیزی بانک

شماره های تماس: ۰۷۹۸۹۰۹۰۴۶ - ۰۷۸۳۳۶۳۰۹

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

- دفاتر خارجی
- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
- شش ماهه - ۲۰۰ دالر
- نه ماهه - ۳۰۰ دالر
- یک ساله - ۴۰۰ دالر



- نارسیده به منزل یا دفاتر
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰